



فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر

www.lthjournal.ir



دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

شروط سالب مسؤولیت

مندرج در ضمیمه دستورالعمل ۹۳/۱۳ جامعه اقتصادی اروپا در سنجه فقه امامیه

سید محمدصادق قبولی درافشان *

۱. دکتری، عضو هیأت علمی گروه فقه و حقوق اسلامی، خردگرایان مطهر، مشهد، ایران.

چکیده

شرط غیرمنصفانه از مهم‌ترین مباحث مربوط به حقوق مصرف‌کننده است که سرعت حرکت اقتصادی جوامع و ایجاد شکاف طبقاتی سبب گرایش به درج چنین شروطی در قراردادهای مصرف‌کننده و درنتیجه تنزیل حق و عدالت شده است. این جستار با توصیف و نقد فقهی دلایل قائلین به بطلان شرط سالب مسؤولیت و دستیابی به اصل کلی صحت این شروط، استثنائاتی را بر این اصل وارد دانسته و به این نتیجه دست یافته است که شروط سالب مسؤولیت مندرج در دستورالعمل ۹۳/۱۳ جامعه اقتصادی اروپا، از قرار شرط سلب مسؤولیت نسبت به فوت یا خدمات جسمانی ناشی از فعل یا ترک فعل، با استناد به اختلال نظام، شرط سلب مسؤولیت نسبت به خسارت‌های ناشی از تقصیر با استناد به اختلال نظام، اکل مال به باطل و غرر، شرط سالب مسؤولیت حاصل از اناتمه تدارک خدمات به اراده یک‌جانبه مشروطله با استناد به غرر و شرط سلب مسؤولیت نسبت به تعهدات نماینده در حیطه استثنایات اصل صحت شرط سالب مسؤولیت، محکوم به بطلان است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۰-۴۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۲۹۰۱۴-۳۰۲۶

تلفن: ۰۹۸۵۱۳۷۶۵۱۸۶۷

ایمیل:

dr.sadegh.ghabooli@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

شرط سالب مسؤولیت، دستورالعمل

۹۳/۱۳ جامعه اقتصادی اروپا، اختلال

نظام، غرر، اکل مال به باطل، مخالفت

با کتاب و سنت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

بررسی بسترهای فقهی مناسب، به اصلاح و تکمیل مقررات داخلی در راستای برقراری نظم عمومی اقتصادی در کشور، تسهیل رسیدگی و صدور حکم در دعاوی بین فروشنده کالا یا ارائه‌کننده خدمات و مصرف‌کننده و نیز توسعه مبادلات تجاری و فراهم شدن زمینه ورود مؤثرتر در صحنه تجارت بین‌الملل و نحوه برخورد با کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط که متأثر از عرف و عادت تجاری بین‌المللی است، کمک نماید؛ و از آنجاکه نیل به نتیجه مطلوب در این زمینه در گرو رهگیری عناوین کلی مرتبط با این مصاديق در فقه می‌باشد، این جستار پس از بررسی فقهی شروط سالب مسؤولیت و ارائه اصل کلی در برخورد با این شروط، مصاديق مرتبط در دستورالعمل مذکور را با نتیجه بحث تطبیق داده است.

۱- بررسی حکمی شروط سالب مسؤولیت

در منابع فقهی بدون اینکه تعریفی از شرط سالب مسؤولیت ارائه شده باشد با عنوانی همچون «شرط عدم ضمان» (قدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۷۴ و اصفهانی، ۱۴۱۸: ۱۷۴/۴) یا «اشتراط عدم ضمان» (کاشف‌الغطا، ۱۴۲۲ الف: ۲۴۵ و صدر، ۱۴۰۱: ۱۹۱)؛ «شرط سقوط ضمان» (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۴۳/۵ و شهید اول، ۱۴۱۰: ۱۴۹)؛ «اسقاط ضمان» (طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۴ و عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۱۰۲)؛ «تبیری از ضمان» (موسوی خوئی، ۱۴۱۰: ۱۰۳ و وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۳/۳) یا «برائت ذمه از ضمان» (مفید بغدادی، ۱۴۱۳: ۵۹۸ و ۵۵۶) یا «برائت ذمه از ضمان» (رجک: شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۱۲ و سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۱۷۵) به این شرط اشاره شده و مصاديق این شروط در ابواب مختلف فقهی پراکنده است. این تذکر لازم است که از دیرباز شرط عدم ضمان و شرط برائت در مورد مسؤولیت پژشک (رجک: شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۱۲ و ۱۰/۱) و موسوی خوئی، ۱۴۱۸: ۳۰) و مسؤولیت امین (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۱۳۱۱؛ رشتی، ۱۳۱۱: ۴۴۲/۲) مطرح و نظریه مسؤولیت پژشک حتی در فرض عدم تقصیر، بین فقیهان مشهور بوده است و تنها درصورتی پژشک غیرمقصر ملزم به جبران خسارت نمی‌شود که پیش از معالجه از بیمار یا ولی او، برائت اخذ کرده باشد (قاضی بن‌براج، ۱۴۰۶: ۴۹۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳۷۳ و محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۳۱/۴).

در توضیح شرط سالب مسؤولیت گفته شده است که این شرط، شرطی است که بین مسؤول و زیان‌دیده احتمالی آینده بسته می‌شود و بهموجب آن مسؤول از پرداختن تمام یا بخشی از خسارت‌هایی که به‌واسطه نقض تعهدات قراردادی خویش ایجاد

حقوق مصرف‌کننده یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در زندگی افراد جامعه تأثیر بهسزایی دارد؛ چراکه همه اشخاص بهنوعی مصرف‌کننده محسوب شده و زندگی امروزی بدون فرآوردهای مختلف مصرفی برای ایشان قابل‌تصور نیست. سرعت حرکت اقتصادی جوامع و ایجاد شکاف طبقاتی نیز سبب گرایش یک طرف قرارداد بر تحمیل شروط نابرابر بر طرفی که نیاز به انقاد قرارداد دارد شده است و درنهایت حاکمیت بیشتر و چهbsا مطلق اراده یک طرف در جهت سقوط و تزلزل حق و عدالت گام برمی‌دارد و شاید به جهت احتراز از چنین وضعی، اصل چهلم قانون اساسی مصالح اجتماعی را برتر از اراده طرفین دانسته است.^۱

در سال‌های اخیر در نظام‌های حقوقی رایج دنیا تلاش‌هایی برای کنترل این وضعیت صورت گرفته که از میان آن‌ها می‌توان به دستورالعمل ۹۳/۱۳ شورای جامعه اقتصادی اروپا مصوب ۵ آوریل ۱۹۹۳ درباره شروط غیرمنصفانه در قراردادهای منعقدشده با مصرف‌کننده^۲ اشاره کرد که ناظر بر عدم پذیرش شروط قراردادی غیرمنصفانه با رویکرد حمایت از حقوق مصرف‌کننده است. بهنظر می‌رسد برآیند کلی دستورالعمل معرفی مؤلفه‌های غیرمنصفانه بودن است و در ضمیمه این دستورالعمل نیز مصاديقی از شروط، غیرمنصفانه معرفی و باطل دانسته شده است. از آنجاکه در حقوق اسلامی همچون سایر نظام‌های حقوقی، انصاف از شفافیت لازم مفهومی و مصاديقی برخوردار نیست و تمسک به آن می‌تواند زمینه سوءاستفاده و اعمال سلیقه‌های شخصی را فراهم آورد، این جستار درنظر دارد مصاديق شروط سالب مسؤولیت مندرج در دستورالعمل مذکور را از نظر فقهی و با روش فقهی بررسی کند. بدیهی است از آنجاکه مطابق با اصل چهارم قانون اساسی موازین اسلامی بر اطلاق یا عموم همه قوانین و مقررات حکومت دارد، تدوین مقررات مناسب در زمینه حمایت از مصرف‌کنندگان نیز نباید مغایرتی با این موازین داشته باشد و نیز از آنجاکه اصل صد و شصت و هفتم قانون اساسی قاضی را موظف کرده است که در موارد سکوت، نقص، اجمال و تعارض قوانین مدونه به منابع و فتاوی معتبر اسلامی مراجعه نماید، این پژوهش می‌تواند با

۱- «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اخراج به منافع عمومی قرار دهد».

2- Council Directive 93/13/EEC of 5 April 1993 on unfair terms in consumer contracts.

در انتقاد به صحت شروط راجع به سلب مسؤولیت، گفته شده است که این شروط مانند ابراء ما لم یجب و باطل است؛ چراکه پیش از ورود زیان، توافق بر سر سلب مسؤولیت بهدلیل فقد متعلق آن، باطل است (ارسطه، ۱۳۸۸: ۶). با این توضیح که توافق درباره سلب کلی یا جزئی مسؤولیت طرف قرارداد بهمنزله بری ساختن او از دینی است که احتمال ایجاد آن در آینده وجود دارد و از آنجایی که ابراء تنها در مورد دین موجود امکان دارد، چنین توافقی صحیح بهنظر نمی‌رسد.

ب- نقد دلیل

در نقد دلیل مذکور، گفته شده است که باید بین ابراء ما لم یجب و قرارداد یا شرط سلب مسؤولیت تفاوت قائل شد؛ زیرا مفاد شرط سلب مسؤولیت ناظر به آینده است و موضوع قرارداد یا شرط ضمن عقد با درنظر گرفتن احتمالی بودن آن، قوام یافته و این مهم در حقیقت به معنای اسقاط دین نبوده و به معنای توافق بر عدم تحقق دین است (ایزانلو، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۸).

به عبارت دیگر، شرط موربدی ثابت ناظر بر سقوط دین موجود نیست، بلکه توافقی است بر این موضوع که در صورت تجمع شرایط مسؤولیت، مسؤولیتی به وجود نیاید. این تذکر لازم است که حتی بر فرض اینکه شروط سالب مسؤولیت به نوعی اسقاط دین تلقی شود، نمی‌توان چنین اسقاطی را ابراء ما لم یجب دانست؛ چراکه سبب وجود دین محقق است و قراردادی که به موجب آن شخص متعهد گردیده، جزء العله پیدایش مسؤولیت و به عبارت دیگر مقتضی آن است (اماکنی، عبدی، ۱۳۷۸: ۸۰-۸۲؛ کریمی، ۱۳۸۶: ۶۴ و اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۷). کلام آن دسته از فقهیان که وجود مقتضی؛ یعنی عقد را برای صحت ابراء کافی دانسته‌اند، شاهدی بر درستی این استدلال است (رك: رشتی، ۱۴۰۷: ۴۲۹ و مامقانی، ۱۳۵۰: ۶۲).

شایان توجه است که برخی فقهیان برخلاف نظر اکثریت، با استدلال به «روایت صحیحه ابو بصیر از امام صادق (ع)» (رك: کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۳۹) ابراء ما لم یجب را صحیح دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۵). در این روایت امام صادق (ع) منظور از واژه «جامعه» را طوماری کامل و جامع همه احکام شریعت اسلام معرفی می‌کند و سپس برای بیان گستره جامعیت آن با اذن از ابو بصیر خراشی جزئی به وی وارد آورده و می‌فرماید حتی جرمیه کار کوچکی چون این، در طومار مشخص شده است. برخی نویسنده‌گان نیز بر این اعتقادند که علاوه بر مدلول این روایت، نظر برخی فقهیان در مورد عدم ثبوت قصاص در

کرده است معاف می‌گردد، به طوری که اگر این شرط وجود نداشت، متعهد (مسؤل) ملزم به جبران خسارت می‌شد و این شرط ذمه، مدیون را از التزام به جبران خسارت بری نموده و زیان دیده به تنها یی متتحمل ضرری می‌شود که متعهد و مدیون ایجاد کرده است (اماکنی و عبدی، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۹ و نکوئی، ۱۳۸۹: ۵۵).

پرسشی که در این قسمت در پی آن هستیم، این است که برخورد فقهی با شروط سالب مسؤولیت در فقه امامیه چگونه می‌باشد؟ از این‌رو در راستای پاسخ به این سوال، ابتدا ادله قائلان به بطلان و صحت این‌گونه شروط در فقه امامیه موردنبررسی قرار گرفته و سپس با توجه به نتیجه کلی بحث و نظر مختار و با درنظر داشتن استثنایات، وارد بر نظریه صحت، در مورد شروط ناظر به سلب مسؤولیت مندرج در خصیمه دستورالعمل مذکور به طور خاص اظهارنظر شده است.

۱-۱-۱- ادله بطلان شروط سالب مسؤولیت

تقابل فواید و ضررهاي اجتماعي و اقتصادي شروط سالب مسؤولیت، موجب شده است تا در نظام‌های حقوقی در پذیرش یا عدم پذیرش این شرط تردید شود (عبدی، ۱۳۹۴: ۱) و بین فقهیان در مورد صحت و بطلان چنین شروطی اختلاف‌نظر به وجود آید؛ به همین دلیل مقتضی است که ادله قائلان به بطلان شروط سالب مسؤولیت مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱-۱- بطلان ابراء ما لم یجب و نقد آن

الف- تقریر دلیل

فقیهان به اتفاق آراء، ابراء دین ثابت در ذمه را صحیح و از دیدگاه ایشان ابراء دین غیر ثابت باطل و کسی نمی‌تواند دیگران را نسبت به دیونی که در آینده به وی خواهند داشت، بری کند؛ چراکه از نوع «ابراء ما لم یجب» محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲/ ۲۵۹) که این نوع از ابراء محکوم به بطلان است (فضل‌هندي، ۱۴۱۶: ۱۱/ ۲۰۲؛ نجفي، ۱۴۰۴: ۳۱/ ۱۱/ ۲۰). از نمونه‌هایی که فقهیان به بطلان ابراء ما لم یجب استناد کرده‌اند می‌توان به ابراء ذمه زوج نسبت به نفقة آینده (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲/ ۱۱۶ و سبزواری، ۱۴۱۳: ۲/ ۲۵؛ ۱۴۱۲: ۲/ ۵۱۴)، ابراء مستعیر پیش از ارتکاب تعدی و تغیریط (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۸)، ابراء غاصب از ضمان عین مخصوصه قبل از تلف (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲/ ۱۱۶؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۱۵/ ۱۵)، (۱۴۶۱: ۱۵) اشاره کرد.

۱۴۱ و ۱۴۸-۱۴۹). شاید به همین علت بوده است که برخی فقیهان حرمت اختلال نظام را از احکام اولیه و حفظ آن را از اوجب واجبات دانسته (رک: موسوی خمینی، ۱۴۲۱/۲: ۶۱۹) و منظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹/۱: ۱۸۲) و در صورت تراحم حفظ نظام با سایر احکام اولیه و ثانویه، حفظ نظام را مقدم دانسته‌اند (باقي‌زاده و امیدی‌فرد، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

نفی تکلیف تجار به فraigیری اجتهادی احکام تجارت (رک: موسوی خمینی، ۱۴۲۱/۳: ۵۹۰)، منوعیت اختکار (تبریزی، ۱۴۲۶/۲: ۱۷)، لزوم جرح شاهد فاسق (طباطبایی قمی، ۱۴۱۳/۱)، لزوم معصومیت امام (علامه حلی، ۱۴۱۴/۹: ۳۹۵)، لزوم فصل خصوصی طرفین دعوا توسط قضات (رشتی، ۱۴۰۱/۳۰۸)، لزوم معصومیت امام (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۵/۴۵۵) از ۱۴۹: حرمت شبیه‌سازی (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۵) از نمونه‌های فقهی است که فقیهان در فتوای خود به حرمت اختلال نظام و وجوب حفظ آن توجه نشان داده‌اند.

در استدلال به حرمت اختلال نظام در مورد بطلان شروط سالب مسؤولیت چنین آمده است که با توجه به اینکه حمایت از شروط سالب مسؤولیت به یک طرف قرارداد امکان می‌دهد تا با درج آن در قرارداد نسبت به خسارت‌های احتمالی آینده مصون بوده و از مسؤولیت قانونی رهایی یابند، چنین حمایتی، بی‌اعتنایی به رعایت قوانین و اجرای تعهدات را دربردارد (نکوئی، ۱۳۹۳: ۲۵۴) و متضمن رواج بی‌احتیاطی و بی‌مبالغی خواهد بود و در واقع نتیجه‌ای جز عدم انگیزه متعهد در رعایت اقدامات احتیاطی به دنبال ندارد. علاوه‌بر اینکه همه تدابیر قانون‌گذار و رویه‌های قضایی در راستای حمایت از زیان‌دیدگان عقیم خواهد ماند و در واقع دعوت آشکاری به‌سوی تقصیر و بی‌مسؤلیتی است و رفتارهای ضداجتماعی را تقویت می‌کند (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۷۲) و ادامه چنین وضعیتی اختلال نظام را در پی خواهد داشت و از این جهت باید با اعلام عدم اعتبار شروط سالب مسؤولیت از بروز چنین وضعیتی جلوگیری کرد.

ب- نقد دليل

طرفداران اعتبار شروط سالب مسؤولیت در پاسخ تحلیل طرفداران نظریه مقابل که نتیجهٔ صحت چنین شروطی را اختلال نظام دانسته‌اند، در صدد نقض برآمده و ابراز داشته‌اند که قراردادهای متضمن شروط سالب مسؤولیت، از موضوعات موردنیاز و از ضروریات زندگی است و در بیشتر این قراردادها مردم برای رفع نیاز خود یا باید همه قرارداد را قبول کنند و یا به‌طور کلی از مزایای آن محروم شوند، افزون بر این، ازانجاكه

مواردی که قتل با اذن مقتول رخ داده است، شاهدی بر اعتبار ابراء ما لم يجب می‌باشد (ارسطه، ۱۳۸۸: ۱۲). با این توضیح که مرحوم محقق حلی و به‌تبع ایشان برخی دیگر، در ضمن بحث از قصاص، فرعی را مطرح و گفته است که اگر شخصی به دیگری دستور دهد که «مرا بکش؛ و گرنه تو را خواهم کشت»، این دستور ارتکاب قتل توسط مأمور را مباح نمی‌سازد؛ چراکه اذن آمر، نمی‌تواند حرمت قتل را از بین ببرد. لیکن ازانجاكه اذن آمر، حق خویش را با اذن خود ساقط کرده است، اقدام به قتل مستلزم قصاص نیست و در این مورد حقی برای وراث نیز متصور نخواهد بود (محقق حلی، ۱۴۰۸/۴: ۱۸۵ و شهیدثانی، ۱۴۱۳/۱۵: ۸۹).

۱-۱-۲- دليل اختلال نظام و نقد آن

الف- تقریر دليل

در برخی روایات می‌توان مواردی را یافت که در تعلیل حکم، به اهمیت جلوگیری از اختلال نظام توجه داده شده است که از آن میان می‌توان به روایت حفص بن غیاث از امام صادق عليه‌السلام در توجیه قاعدةٔ ید اشاره کرد که در این روایت امام (ع)، در توجیه اماریت ید برای تشخیص مالکیت، به «لَوْلَمْ يَجْزُ هَذَا لَمْ يَقُمْ لِلْمُسْلِمِينَ سُوقٌ» استناد کرده که بیانگر توجه به اهمیت حفظ نظام بازار و جلوگیری از به‌هم خوردن نظام آن است (رک: کلینی، ۱۴۰۷/۷: ۳۸۷). علاوه‌بر این در روایتی دیگر از امام صادق (ع)، ایشان توجه و اهمیت رعایت صلاح در زندگی مردم را از اولویت‌های غیرقابل جایگزین معرفی نموده (رک: حرعامی، ۱۴۰۹/۱۷: ۸۳-۸۴) که این امر نشان‌دهندهٔ اهتمام خاصی شارع به اموری است که حفظ نظام حیات انسان منوط به آن می‌باشد. به‌همین دليل، فقیهان در جای‌جای فقه به حفظ نظام و اختلال آن توجه نشان داده‌اند (ورعی: ۱۳۹۳/۵). لیکن به‌علت وضوح اعتبار آن از نظر عقلی و متسالم بودن آن (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۲۵/۱۱) به‌صورت مستقل به این مهم نپرداخته‌اند. باید توجه داشت که منظور از نظام، نظام عام اجتماع است که حفظ آن متوقف بر حفظ خرده‌نظم‌های اجتماعی می‌باشد که به‌حکم عقل مبنی بر وجود مقدمهٔ واجب، حفظ آن‌ها واجب و سامان معاش مردم و امنیت بلاد و سعادت دنیوی و اخروی در گرو آن است؛ و به‌همین دليل هر حکمی که منجر به اختلال در هریک از این خرده‌نظم‌ها شود، به‌علت اینکه در ادامه منجر به از بین رفتن نظام عام اجتماع می‌شود، محکوم به بطلان است (ملک‌افضلی‌اردکانی، ۱۳۹۶/۱۳۳ و

انشای عقد باشد؛ حال آنکه مسؤولیت قراردادی جزء آثاری که حیات عقد به آن بستگی داشته باشد، نیست. بلکه جزء آثار حاصل از تخلفات در انجام تعهدات قراردادی و یا تأخیر در آن می‌باشد و حتی اگر این مسؤولیت به صورت باوسطه جزء آثار قراردادی محسوب شود، باز هم تشکیل‌دهنده ماهیت عقد نبوده و طرفین قرارداد می‌توانند برخلاف آن تراضی کنند و از این رو نمی‌توان از جهت مخالفت با مقتضای ذات عقد چنین شروطی را باطل اعلام کرد (رك: امامی و عبدی، ۱۳۷۸: ۹۳).

۱-۴-۴- مجھول بودن شرط

الف- تقریر دلیل

یکی دیگر از شرایطی که از دیدگاه فقیهان امامی منجر به بطلان شرط می‌شود و این بطلان، بطلان عقد را در پی دارد، شرط مجھولی است که جهل به آن به جهل در عوضین می‌انجامد. فقیهان در هنگام بررسی شرایط صحت شرط به چنین شرطی توجه نشان داده‌اند (رك: انصاری، ۱۴۱۵: ۵۱ / ۶؛ و طباطبایی‌یزدی، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۱۶). برخی نویسنده‌گان چنین ابراز داشته‌اند که متنقدان اعتبار شروط سالب مسؤولیت با این استدلال که در شرط سلب مسؤولیت، میزان خسارت و دینی که در آینده ایجاد می‌شود نامعلوم است، چنین شرطی نامعلوم و درنتیجه باطل است و از آن‌جاکه جهل به موضوع شرط، منجر به جهل در عوضین می‌شود، قرارداد نیز باطل می‌شود (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

ب- نقد دلیل

در پاسخ به استدلال مذکور، می‌توان گفت که نمی‌توان از جهت مجھول بودن به بطلان نظر داد؛ چراکه دلیلی بر اعتبار لزوم معلوم بودن این شرط وجود نداشته و حتی در صورت بطلان شرط نیز نمی‌توان آن را عامل بطلان قرارداد محسوب کرد؛ زیرا جهالت در موضوع چنین شرطی، در میزان و کیفیت عوضین تأثیری ندارد تا مجھولیت مسؤولیت را سبب مجھول شدن عوضین بدانیم. علاوه‌بر این، مجھولیت این شرط در آینده متنه‌ی به علم شده و از این جهت اشکال مجھول بودن آن نیز مرتفع می‌شود (امامی و عبدی، ۱۳۷۸: ۹۴)؛ و چه‌بسا بتوان گفت که در این میان تنها چیزی که نامعلوم است میزان مسؤولیت احتمالی آینده می‌باشد و چون ثمن، اجرت و عمل معلوم است، این اشکال وارد نیست و ضرری به قرارداد وارد نمی‌شود (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۶۱). به‌نظر می‌رسد که حتی در فرض مجھول بودن شرط سالب مسؤولیت و لزوم علم به آن، می‌توان از رهگذر دیدگاه آن

معهدهای قراردادها برای ماندن در صحنه رقابت ناگزیر به جلب توجه مردم هستند، سعی دارند کار خود را دقیق انجام داده و نمی‌خواهند به‌سبب بی‌دقیقی و بی‌مسؤولیتی، آینده شغلی خود را خراب کنند و نگرانی مخالفان شرط سلب مسؤولیت تنها در صورتی توجیه‌پذیر است که هیچ پایبندی و تعهدی در قبال مسؤولیت در جامعه وجود نداشته باشد (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۷۳ - ۱۷۴) و چه‌بسا ممکن است مخالفت با چنین شروطی منجر به افزایش قیمت کالا و خدمات و تحمل این هزینه بر مصرف‌کنندگان شود؛ چراکه در چنین وضعیتی، هزینه‌های بیمه مسؤولیت در قیمت نهایی کالا و خدمات منظور می‌گردد (امامی، عبدی، ۱۳۷۸: ۸۸-۸۹ و ارسطا، ۱۳۸۸: ۸) و ترس از خطر و زیان ناشی از مسؤولیت، منجر به رکود سرمایه‌گذاری و ایجاد تورم (امامی، عبدی، ۱۳۷۸: ۹۷) و عدم عرضه محصولات جدید یا خدمات نوین خواهد شد؛ چراکه تولیدکننده یا ارائه‌کننده خدمات در چنین وضعیتی ترجیح می‌دهد به تولید و ارائه محصولی پردازد که به‌علت تکرار تولید و ارائه، خطری در پی ندارد (عبدی، ۱۳۹۴: ۹) و از این‌رو باید چنین معتقد شد که این بطلان شروط سالب مسؤولیت است که برخلاف مصالح و منافع عمومی بوده و منجر به اختلال نظام خواهد شد.

۱-۳-۳- مخالفت با اقتصادی ذات عقد

الف- تقریر دلیل

برخی نویسنده‌گان در تقریر دلیل مذکور، ابراز داشته‌اند که از آن‌جاکه عقد منع تعهد بوده و تعهد همراه با التزام است، اگر معهدهای التزام و مسؤولیتی در قبال تعهد خود نداشته باشد و معهدهای نتواند وی را تحت تعقیب قانونی قرار دهد، اجرای تعهد، اختیاری شده و جوهر خود را از دست می‌دهد؛ بنابراین باید معتقد شد که شرط سلب مسؤولیت خلاف مقتضای عقد بوده و با نتیجه تعهد که پیدایش تکلیف است، در تضاد می‌باشد (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۶۶-۱۶۷). این تذکر لازم است که فقیهان از دیرباز به بحث مخالفت شرط با مقتضای ذات عقد توجه داشته و از رهگذر آن به بطلان برخی از شروط نظر داده‌اند (رك: طوسی، ۱۳۸۷: ۲ / ۲۴۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲ / ۱۱۰ و عاملی‌کرکی، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۳۹۲).

ب- نقد دلیل

برخی نویسنده‌گان در مقام انتقاد از استدلال یادشده، ابراز داشته‌اند که شرط سلب مسؤولیت، در صورتی می‌تواند مخالف مقتضای ذات باشد که خود مسؤولیت، جزء ذات عقد و مورد

شرط، تنها چیزی است که می‌توان از قاعدة شروط استفاده کرد؛ اما صحت و منشأ اثر بودن شرط را نمی‌توان از این قاعدة به دست آورده؛ چراکه عموم قاعدة شرط دلالتی بر مشروعيت شرط ندارد (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۵۱). در توضیح این انتقاد می‌توان گفت که استناد به عموم این دلیل متوقف بر احراز مشروعيت شرط از رهگذر عدم مخالفت آن با کتاب و سنت است و بدون آن استناد به عام در شباهات مصداقی روبه‌رو است (رک: قبولی درافشان، ۱۳۹۴: ۳۲۰).

ج- تقریر استدلال به قاعدة فقهی تسلیط و نقد آن
فقیهان در بسیاری از موارد، احکام استنباطی خود را به قاعدة تسلیط مردم بر اموال و املاک خود معلل کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۷۲/۳؛ ابن ادريس حلی، ۱۴۱۰: ۳۸۲/۲ و علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۰/۲۴۷). از آنجاکه براساس این تعلیل، مالک می‌تواند هریک از تصرفات حلال را در ملک خود اعمال کند و آن را بدون ضمان در اختیار دیگری قرار دهد؛ قائلان به صحت شروط سالب مسؤولیت با این استدلال که صرف نظر کردن از حق احتمالی آینده و بری^۱ الذهمه ساختن مديون، یکی از انواع تصرفات محسوب می‌شود، به این قاعدة استناد کرده‌اند (ارسطا، ۱۳۸۸: ۱۶ و اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۵۳).

در نقد این استدلال می‌توان گفت که قاعدة تسلیط توان سبب‌سازی برای حکم را ندارد و نمی‌توان از رهگذر آن به صحت یا بطلان شرط نظر داد؛ چراکه مفهوم قاعدة توانایی تصرف مالک در ملک است، نه صحت یا بطلان شرط (رک: جزائری مروج، ۱۴۱۶: ۱/۳۹۵).

د- تقریر استدلال به قاعدة فقهی اقدام
از نقطه‌نظر فقهی، هرگاه شخصی به صورت آگاهانه زمینه ورود زیان به خود از سوی دیگران را فراهم آورد، وارد کننده زیان که شخص دیگری است، مسؤول خسارت نخواهد بود و فقیهان در توجیه این امر به قاعدة «اقدام» استناد جسته‌اند (محقق دمامد، ۱۴۰۶: ۱/۲۲۱)؛ بر این اساس می‌توان چنین معتقد شد که قاعدة اقدام یکی از دلایل صحت شرط سلب مسؤولیت است، به این بیان که افراد می‌توانند با اقدام ارادی و رضایت‌مندانه حق خود را درخصوص موردنی ساقط یا محدود کنند.

دسته از فقیهانی که جواز ابراء در مجھول را به مشهور نسبت داده‌اند، استدلال طرفداران بطلان شرط سالب مسؤولیت را مخدوش کرد (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۲۸۱/۸).

۱-۱- عموم أوفوا بالعقود و قواعد فقهی شروط، تسلیط و اقدام

الف- تقریر استدلال به عموم أوفوا بالعقود و نقد آن
برخی فقیهان بر این اعتقادند که ادلّه دال بر لزوم وفای به عقد؛ همچون عموم شریفه «أوفوا بالعقد» بر صحت شرط ضمن عقد نیز دلالت دارند؛ چراکه این دسته از شروط، جزئی از عقد محسوب شده و وفای به عقد مقتضی وفای به شروط ضمن آن است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷/۲: ۴۴۷؛ انصاری، ۱۴۱۵/۵: ۲۱ و طباطبایی‌یزدی، ۱۴۲۱/۲: ۱۲۳). بر همین اساس برخی از نویسنده‌گان، استدلال قائلان به اعتبار شروط سالب مسؤولیت را چنین تقریر کرده‌اند که با توجه به اینکه که امر ظهور در وجوب دارد و آیه شریفه مذکور با صیغه امر شروع شده است، وفای به همه عهدها واجب بوده و از آنجاکه شرط سلب مسؤولیت ضمن قرارداد یک نوع تعهد است، عموم آیه شامل آن نیز می‌شود (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

به‌نظر می‌رسد که با این استدلال نمی‌توان صحت شرط را نتیجه گرفت؛ چراکه عموم قاعدة مقتضی وجوب وفای به عقد است، نه صحت شرط ضمن آن؛ حال آنکه آیه شریفه در وفای به عقد صراحة دارد و شرط، عقد محسوب نمی‌شود و چهبسا فردی بدون اینکه به شرط ترتیب‌اشر دهد، به عقد وفا نماید (طباطبایی‌قمی، ۱۴۰۰: ۲۲/۴ و حسینی روحانی‌قمی، ۱۴۲۹/۵: ۲۱۲).

ب- تقریر استدلال به قاعدة فقهی شروط و نقد آن
از دیدگاه طرفداران صحت شروط سالب مسؤولیت، می‌توان با استناد به عموم «المؤمنون عند شروطهم» وفای به این شروط را لازم دانست؛ با این توضیح که وجوب وفای به شرط کاشف از صحت آن است و شرط سلب مسؤولیت ویژگی خاصی ندارد که سبب استثنای آن از حکم سایر شروط شود (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۵۱). نمونه‌های زیادی از استنادات فقیهان به عموم «المؤمنون عند شروطهم» در متون فقهی شاهدی بر صحت این استناد است (رک: بحرانی، ۱۴۰۵/۱: ۱۵۳؛ رشتی، ۱۴۰۷: ۴۸۷ و انصاری، ۱۴۱۵/۵: ۳۰۸).

این استدلال از سوی طرفداران نظریه مقابل، مورد تردید واقع شده و در مقام انتقاد از آن گفته شده است که لازم‌الوفاء بودن

این وضعیت، کاشف از حصول تعادل قراردادی برای طرفین است؛ چراکه به آن رضایت داده‌اند و احترام به آزادی قراردادی و تعیین مفاد قرارداد توسط ایشان مستلزم احترام به شرط سلب مسؤولیت است.

البته باید توجه داشت که پذیرش اعتبار شروط سالب مسؤولیت به عنوان یک اصل کلی مطرح است و نباید با توجه به مزایای چنین شروطی، از برخی پیامدهای منفی آن‌ها غافل شد و از این‌رو باید در راستای کنترل این شروط کوشید و از سوءاستفاده و بهره‌برداری ناروای سودجویان از جواز شرعی و قانونی این شروط جلوگیری کرد. بهمین علت در این قسمت به برخی استثنایات اصل کلی صحت شروط سالب مسؤولیت، یعنی بطلان شرط در فرض تقصیر، تجاوز به سلامت و غرر اشاره خواهد شد.

الف- بطلان شرط در فرض تقصیر

بر فرض پذیرش صحت و اعتبار شروط سالب مسؤولیت، سوالاتی که ممکن است به ذهن متبار شود، این است که در چنین فرضی، آیا مشروطله به‌طورکلی از مسؤولیت معاف می‌گردد یا با اثبات تقصیر، می‌توان وی را مسؤول شناخت؟ در فرضی که مشروطله به‌صراحت فرض تعدی و تفریط را در شرط عدم ضمان قید می‌کند، شرط چه وضعیتی خواهد داشت؟ آیا باز هم می‌توان به اعتبار آن نظر داد؟

از دیدگاه فقیهان، تعدی و تفریط از اسباب مسؤولیت به‌شمار آمده و در موارد متعددی در مباحث مربوط به امانات به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است. توضیح اینکه، قاعدة اولیه این است که اگر فردی بر چیزی مسلط شود و بر آن وضع ید کند، ضامن است و ید وی ضمانت محسوب خواهد شد، لیکن ایدی امانی از این قاعده استثناء شده و استئمان از مسقطات ضمان به‌شمار آمده است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که در چنین موارد استثنائی باید به‌قدر متین از استثناء کفايت نمود و مازاد بر آن را تحت شمول قاعده کلی ضمان ید قرار داد و به این اعتبار در صورتی که امین از حدود وظایف خود خارج شده و نسبت به امانت تعدی یا تفریط کند، ضامن خواهد بود و ید وی وصف امانی خویش را از دست خواهد داد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲۴۵-۲۴۸).

به‌نظر می‌رسد که از ملاحظه آثار فقیهان بتوان چنین نتیجه گرفت که حتی در فرض شرط عدم ضمان، در صورتی که بتوان تعدی و تفریط مشروطله را به اثبات رساند، می‌توان به

۱-۲-۲- عرف و رویه عملی

الف- تقریر دلیل

از نقطه‌نظر طرفداران اعتبار شروط سالب مسؤولیت، یکی دیگر از دلایلی که می‌توان با استفاده از آن اعتبار این دسته از شروط را نتیجه گرفت، عرف و رویه عملی است؛ با این توضیح که عرف جامعه از طریق پذیرش شروط مربوط به سلب مسؤولیت در قراردادهای الحاقی که در راستای فرار از مسؤولیت و تثبیت و بقای منافع یکی از طرفین قرارداد منعقد می‌شود، مهر صحیت بر این شروط زده است که این امر بهخصوص در رقابت‌های بین‌المللی خصوصاً در زمینه حمل و نقل دریایی آشکارتر می‌باشد (امامی و عبدی، ۱۳۷۸: ۹۸).

ب- نقد دلیل

به‌نظر می‌رسد که این دلیل به‌تهایی قادر به اثبات اعتبار شروط سالب مسؤولیت نیست؛ چراکه فقیهان امامی عرف از ارزش استدلالی مستقلی قائل نشده و معتقدند که مقصود از مراجعه به عرف، استفاده از عرف در تشخیص و تمیز متعلق حکم شرعی و موضوع آن است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۱/ ۶۵ و موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۱/ ۲۲۷).

۲- نظر مختار و استثنایات وارد بر آن

با درنظر گرفتن ادله ابرازی از سوی طرفداران بطلان، شروط سالب مسؤولیت و ادله منتقدان ایشان می‌توان چنین معتقد شد که نظریه بطلان شروط سالب مسؤولیت، مستند متقنی نداشته و قابل‌پذیرش نیست؛ و با توجه به اینکه دلیلی بر منبع اعتبار این‌گونه از شروط در فقه به‌چشم نمی‌خورد، باید صحت این شروط را به‌عنوان اصلی کلی پذیرفت. این تذکر لازم است دلایلی همچون مطابقت چنین شرطی با قاعدة فقهی اقام و اقتضای مصلحت و نیاز جامعه و اصل آزادی قراردادی، مهر تأییدی بر این دیدگاه می‌باشد. شایان توجه است که مطابق با نظر برخی نویسنده‌گان (ایزانلو ۱۳۹۰: ۱۲۲)، براساس اصل اخیر، همان آزادی که سبب ایجاد تعهد شده، می‌تواند قلمرو و آثار تعهد را نیز معلوم کند و همان‌گونه که شخص می‌تواند از اصل تعهد نشود، به‌طریق اولی می‌تواند تا حد معینی ملتزم گردد؛ بنابراین شرط سلب مسؤولیت دقیقاً منطبق با آزادی قراردادی طرفین است که یا نخواسته‌اند مسؤولیتی را پذیرند و یا آن را محدود کرده‌اند؛ و در صورتی که طرفین قرارداد فارغ از موانعی که در ادامه خواهد آمد، عدم مسؤولیت معهده را پذیرفته باشند،

اکل مال به باطل را بر اطلاق این حدیث حاکم دانست (جزائری مروج، ۱۴۱۶: ۱/۴۰۸)؛ و به استثنایات متعددی که از سوی خردمندان و شریعت بر تسلط انسان نسبت به اموال وارد شده است، توجه نمود (مکارم‌شیرازی، ۱۴۱۱: ۲/۳۵-۳۶). از جمله این استثنایات می‌توان به موارد اسراف و تبذیر همچون اتلاف مال از طریق انداختن به دریا، موارد صرف مال در زمینه‌های حرام همچون؛ خرید مشروبات الکلی، تصرف مزاد بر ثلث در وصیت، برخی تصرفات در مرض موت و موارد تجاوز به حق دیگران برای اعمال حق خویش، اشاره کرد (ایروانی، ۱۴۲۶: ۲/۱۰۲).

از آنجاکه درج شروط سالب ضمان در قراردادها یکی از انحصار تصرف است، در این‌گونه تصرفات نیز باید به استثنایات جواز تصرف توجه داشت و در چنین مواردی، در اعتبار این شروط تردید کرد. از دیدگاه نگارنده، به‌رسمیت شناختن شرط سالب مسؤولیت در فرض تعدی و تغیریط را می‌توان در ذیل موارد منجره اختلال نظام، مطرح و این موارد را نیز از زمرة استثنایات قاعدة تسلیط دانست.

ب- بطّلان شرط در فرض تجاوز به سلامت
یکی از احکام مسلم اسلامی، حرمت تعرض به سلامت نفس اعماز جان، عضو و وجوب حفظ آن است. بسیاری از فقهیان در جای جای فقه به این مهم توجه داشته و به ضروری و بدیهی بودن حفظ نفس محترم به عنوان یکی از مصالح اجتماعی نظر داده (رک: علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۷/۳۰۹؛ شهیدثانی، ۱۴۰۲: ۲/۹۰۳؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۲/۳۹۵ و نجفی، ۱۴۰۴: ۳/۳۸) و معتقدند که اذن رافع حکم تکلیفی نیست (طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۷؛ ۱۴۱۶: ۱/۲۷۲)؛ از آنجاکه این موارد از زمرة احکام موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۴۲/۱۸). از آنجاکه این موارد محملی برای اسقاط وجود ندارد (رک: انصاری، ۱۴۱۵: ۶/۱۴۱)؛ علاوه‌بر اینکه توافق برخلاف این احکام به‌واسطه شرط سالب مسؤولیت مانند توافق برخلاف کتاب و سنت و درتیجه نامشروع و باطل است (نزاری، ۱۴۱۷: ۵/۱۱۲؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۴۰۸-۴۰۱ و نجفی، ۱۴۰۴: ۲/۱۰۳-۱۰۰).

ج- بطّلان شرط در فرض غرر
بسیاری از فقهیان در برخی موارد در توجیه بطّلان اعمال حقوقی به غرر استناد کرده‌اند؛ که از این موارد می‌توان به استیجار برای حمل توده مجهول‌المقدار (رک: عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۷/۱۰۹ و حسینی‌عاملی، بی‌تا: ۱۹/۳۵۶)، بیع ما یراد

مسئولیت وی معتقد شد. نمود این بحث را می‌توان در مباحث فقهی‌ای که در آن به عدم ضمان امین استناد شده است، رهگیری نمود. در این مباحث فقهیان با اینکه به عدم ضمان امین به عنوان یکی از استثنایات ید توجه نشان داده‌اند، لیکن امین را در فرضی از مسؤولیت معاف می‌دانند که زیان وارد می‌شوند به تعدی و تغیریط وی نباشد (رک: طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۴۰۹؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۲/۲۶۷؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲/۱۱۷ و نجفی، ۱۴۰۴: ۵/۵۱). از دیدگاه نگارنده، این دیدگاه به مصلحت جامعه نزدیک‌تر است؛ چراکه اگر قرار باشد، مشروطله حتی در صورت ارتکاب تقصیر از مسؤولیت معاف باشد، چه بسا دقت لازم در جهت انجام تعهد را به کار نبرد و در اثر بی‌احتیاطی و عدم انجام اقدامات لازم، حقوق مشروط‌علیه را به مخاطره اندارد که چنین وضعیتی موجب گسترش بی‌احتیاطی و درنهایت زیان جامعه و از مصادیق منجره اختلال نظام خواهد بود.

شایان توجه است که نباید از مواردی که به‌نحو تخصیص یا تخصیص از محدوده دلالت قاعدة تسلیط خارج است، غفلت کرد. برخی فقهیان در ضمن بررسی قاعدة تسلیط به این مهم توجه نشان داده و ابراز داشته‌اند که بر فرض پذیرش سندي حديث «الناس مسلطون على اموالهم»، در مورد حدود دلالت این قاعدة، سه دیدگاه از سوی فقهیان امامی مطرح شده است که براساس دیدگاه نخست، عموم این حدیث، همه تصرفات مالک اعمماز کمی؛ همچون سلطنت مالک بر بیع، هبه، اجاره و کیفی؛ یعنی تسلط بر کیفیت انشاء تصرف در مال همچون؛ چگونگی صیغه عقد را دربرمی‌گیرد؛ و مطابق با دیدگاه دوم، این حدیث تنها ناظر بر تصرفات کمی است و در مقام تشریع اسباب و تنفیذ آن‌ها نیست و بالآخره دیدگاه سوم، حدیث را در مقام بیان سلطنت مالک نسبت به تصرفات مشروع در اموال دانسته و دلالت آن را به استقلال مالک در تصرفات مشروع بدون توقف بر اجازه دیگران محدود ساخته است (جزائری مروج، ۱۴۱۶: ۱/۱۰۲-۱۰۳؛ ایروانی، ۱۴۲۶: ۲/۱۰۰-۱۰۳). شایان ذکر است که برخی فقهیان با این اعتقاد که مدرک این قاعدة سیره عقلایی است که به‌امضای شارع رسیده و سایر ادلّه ابرازی از سوی فقهیان قابل مناقشه است و نیز با این توضیح که در این موارد باید به‌قدر ممکن اکتفا کرد، دیدگاه سوم را بر سایر نظرات ترجیح داده‌اند (ایروانی، ۱۴۲۶: ۲/۱۰۲). برخی هم پس از پذیرش این دیدگاه، چنین معتقد شده‌اند که باید موارد حرمت

براساس بند مذکور، درصورتی که فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات، در ضمن قرارداد شرط کند که بهصورت کلی یا جزئی نسبت به فوت یا صدمات جسمی طرف مقابل که براثر فعل یا ترک فعل وی (فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات) رخ داده است، مسؤولیتی نداشته باشد، چنین شرطی مصدقی از شروط غیرمنصفانه و درنتیجه باطل خواهد بود. با توجه به اینکه از نقطه‌نظر فقهی، حفظ نفس محترمه واجب و تعرض به سلامت نفس اعم از جان و عضو محکوم به حرمت می‌باشد و از آنجاکه براساس آموزه‌های فقه امامیه یکی از شرایط صحت شرط عدم مخالفت آن با کتاب و سنت است، می‌توان با استدلال بهوضوح مخالفت چنین شروطی با حکم شریعت و با تمسک به این نکته که این شروط با فراهم کردن زمینه تعریض به سلامت افراد جامعه، به اختلال نظام اجتماعی و برهمن خوردن نظم عمومی می‌انجامد، به بطلان آن‌ها نظر داد.

ب- شرط سلب مسؤولیت نسبت به مطالبه خسارت ناشی از تقصیر (بند B)

مطابق با بند مذکور، شروطی که درصورت عدم اجرای همه یا برخی تعهدات قراردادی و یا اجرای ناقص آن‌ها توسط فروشنده یا ارائه‌کننده یا شخص ثالث، هر ادعایی از سوی مصرف‌کننده نسبت به مطالبه حقوق قانونی خود همچون جبران خسارت ناشی از تقصیر فروشنده یا ارائه‌کننده را از بین برده یا محدود سازد، غیرمنصفانه تلقی شده و باید از رهگذر بطلان این دسته از شروط، زمینه حمایت از مصرف‌کننده را فراهم آورد.

این تذکر لازم است که در ادامه بند (B)، شرط عدم مطالبه خسارت ناشی از تقصیر بهعنوان مصدقی از شروط غیرمنصفانه قابل انطباق با شروط کلی موردنظر بند مذکور، معرفی شده که بهنظر مورد تأمل است؛ چراکه اگر قرار باشد مشروطله حتی درصورت ارتکاب تقصیر از مسؤولیت معاف باشد، چه‌سی دقت لازم در جهت انجام تعهد را به کار نبرده و در اثر بی‌احتیاطی و عدم انجام اقدامات لازم، حقوق مشروط‌علیه را به‌مخاطره اندازد که چنین وضعیتی موجب گسترش بی‌احتیاطی و درنهایت زیان جامعه و از مصادیق منجره اخ탈 نظام خواهد بود.

این تذکر لازم است که اگر بتوان این موارد را از زمرة تصرفاتی همچون أكل مال به باطل و اسراف و تبدیر محسوب کرد، می‌توان چنین معتقد شد که بطلان مصدق مطرح شده در بند (B) از زاویه دید فقیهانی که دلالت حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم» را به استقلال مالک در تصرفات مشروع بدون توقف

طعمه در فرض عدم آزمایش (سیوری حلی، ۱۴۰۴/۲۸)، بیع ملامسه و منابذه (انصاری، ۱۴۲۱/۶۸) و بیع حلیب مع ما فی الشرع (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰/۳۲۲) اشاره کرد.

برخی فقیهان پس از ارائه معانی غرر از دیدگاه واژه‌شناسان، چنین اظهار می‌دارند که محصل این عبارات را باید در آنچه مستلزم خطر است رهگیری نمود و از این موارد در بحث غرر، سخن گفت. از دیدگاه ایشان خطر عبارت از احتمال ضرری است که خردمندان از آن اجتناب می‌کنند و احتمالات ضعیفی که مردم به آن اعتمای ندارند، با این عنوان قرار نمی‌گیرد (حسینی‌مراغی، ۳۱۴/۲ و نراقی، ۱۴۱۷/۹۳). بدیگر سخن، خطر عبارت است از عدم اطمینان طرفین قرارداد یا یکی از آن‌ها به اینکه آیا آنچه از رهگذر عقد به‌دست می‌آید، قابلیت معاوضه را داراست یا خیر؟ و در فرض قابلیت یا عدم قابلیت، آیا چنین عوضی محقق‌الحصول می‌باشد؟ این تذکر لازم است که منشأ خطر بسته به موارد مختلف، متفاوت می‌باشد و گاهی ناشی از عدم اطمینان به وجود مال و امثال آن و گاهی هم ناشی از عدم وثوق به امکان تسليم و تسلیم و قبض و اقباض است و برخی اوقات نیز از عدم اطمینان به قابلیت معاوضه به‌دلیل جهل به مقدار، جنس و وصف عوض نشأت می‌گیرد (حسینی‌مراغی، ۱۴۱۷/۲: ۳۱۴ و نراقی، ۱۴۱۷/۹۳: ۹۴-۹۳).

با توجه به توضیحات مذکور، بهنظر می‌رسد در مواردی که درج شرط سالب مسؤولیت، منجره غرری شدن قرارداد شود، باید با اعلام بطلان، از خطر که در واقع هسته بنیادین غرر را تشکیل می‌دهد، اجتناب کرد.

۳- تطبیق فقهی شروط ناظر بر سلب مسؤولیت مندرج در خمیمه دستورالعمل ۹۳/۱۳

از بین شروط مندرج در خمیمه دستورالعمل ۹۳/۱۳ راجع به شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده می‌توان به شروط (A)، (B)، (C) و (N) از زاویه شروط سالب مسؤولیت نگریست و آن‌ها را با این عنوان مورد بررسی قرارداد. بهنظر می‌رسد که برای اظهارنظر در مورد صحت یا بطلان شروط سالب مسؤولیت مندرج در خمیمه دستورالعمل، باید امکان یا عدم امکان تطبیق این شروط را با استثنایات وارد بر اصل صحت شروط سالب مسؤولیت، مورد بررسی قرار داد.

الف- شرط سلب مسؤولیت نسبت به فوت و صدمات جسمانی (بند A)

منظور از نمایندگی رابطه‌ای حقوقی است که براساس آن، شخصی به عنوان نماینده و به حساب اصیل اقدام به انجام اعمال دارای اثر حقوقی می‌نماید که آثار این اعمال متوجه اصیل خواهد شد.

برخی نویسنده‌گان از زاویه نقش نماینده در تحمل آثار اعمال حقوقی انجام‌شده به نمایندگی توجه نشان داده و چنین ابراز داشته‌اند که نمایندگی از این حیث به دو دسته نمایندگی مستقیم و نمایندگی غیرمستقیم تقسیم می‌شود که در نوع نخست، نماینده عمل حقوقی را به نام و حساب اصیل انجام داده که در این فرض آثار عمل حقوقی به صورت مستقیم متوجه شخص اصیل می‌گردد و در نوع دوم نماینده عمل حقوقی را به نام خود و به حساب اصیل انجام داده و تعهدات ناشی از این عمل متوجه خود نماینده می‌شود و در این فرض شخص ثالث حق رجوع به اصیل و مطالبه تعهدات ناشی از قرارداد از وی را نخواهد داشت (محقق‌داماد و منشی‌زاده‌طهرانی، ۱۳۸۹: ۲۷۹ و ۲۸۸).

یکی از مباحث مطرح در عقد وکالت که با مباحث مطرح در تفاوت‌های اقسام نمایندگی هم‌خوانی دارد، فرضی است که برخی فقهیان مطرح کرده و در مواردی که وکیل بدون افسای نمایندگی، به نمایندگی از موکل اقدام به انعقاد قرارداد نموده باشد، این حق را برای طرف قرارداد به‌رسمیت شناخته‌اند که به شخص وکیل مراجعه کند (رك: شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۵/۳۰۲ و ۰/۳۰۲ و نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷/۴۴۰-۴۴۱).

به‌نظر می‌رسد که با توجه به پذیرش صحت شروط سالب مسؤولیت به عنوان اصلی کلی، به‌طريق اولی شروطی که به سلب جزئی درصد تحديد مسؤولیت مشروطله هستند نیز صحیح به‌نظر می‌رسند که شرط مطرح در بند (N) ضمیمه دستور العمل نیز از این مهم مستتنا نخواهد بود و برای اظهار نظر فقهی در مورد چنین شرطی باید به متعلق تعهدات موردبخت توجه کرد و در صورتی که این تعهدات ناظر به استثنائات وارد بر اصل کلی صحت شروط سالب مسؤولیت؛ همچون موارد وجود تقصیر، تجاوز به سلامت و مستلزم غرر باشد، می‌توان به عدم صحت چنین شروطی نظر داد.

نتیجه‌گیری

این جستار با توصیف و نقد فقهی دلایل قائلان به بطلان شروط سالب مسؤولیت و دست‌یابی به اصل کلی صحت این شروط، استثنائاتی را بر این اصل وارد دانسته و به این نتیجه

بر اجازه دیگران محدود ساخته‌اند، توجیه‌پذیر است. علاوه‌بر این، شاید بتوان با این استدلال که موارد شرط سلب مسؤولیت ناشی از تقصیر منجر به عدم اطمینان به حصول نتیجه موردنظر قرارداد خواهد شد، از نقطه‌نظر فقهیانی که سیاق موارد غرری منهی از سوی شارع را دال بر احتساب خطر به عنوان عنصر اصلی غرر دانسته‌اند، بطلان چنین شروطی را نتیجه گرفت.

ج- شرط سلب مسؤولیت نسبت به تدارک خدمات (بند C)

براساس این بند، با وجود اینکه مصرف‌کننده ملزم به پاییندی به قرارداد بوده و حقی برای فسخ آن ندارد، فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات از رهگذر شرط، حق پیدا می‌کند که تدارک خدمات را منوط به شرایطی نماید که تحقق آن‌ها تنها تابع اراده یک‌جانبه وی باشد. به‌نظر می‌رسد که این شرط از دیدگاه فقهی نیز محکوم به بطلان باشد؛ زیرا در این فرض، مصرف‌کننده به شرایط و اوضاع واحوالی که تابع اراده یک‌جانبه مشروطله می‌باشد، جاگه است که این امر حقوق وی را به‌مخاطره خواهد انداخت. به‌همین جهت می‌توان با تمسک به غرر ناشی از این جهالت به بطلان شرط مذکور نظر داد. علاوه‌بر اینکه در واقع مشروطله با درج چنین شرطی در صدد سلب مسؤولیت خود در هر شرایطی است و چه‌بسا اصلاً اراده مشروطله به تحقق شرایط تعلق نگیرد؛ حال آنکه مصرف‌کننده موظف است به چنین قراردادی پاییند باشد.

د- شرط سلب مسؤولیت نسبت به تعهدات نماینده (بند N)

براساس این بند، شروطی که مسؤولیت فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات را نسبت به پذیرش تعهدات نماینده خود محدود کند و یا انجام آن‌ها را به تشریفات مخصوصی منوط نماید، مصادقی از مصادیق شروط غیرمنصفانه و درنتیجه محکوم به بطلان است. این تذکر لازم است که براساس ماده ۳:۱۰۱ اصول حقوق قراردادهای اروپایی^۱ و براساس بند یک ماده یک کنوانسیون نمایندگی در بیع بین‌المللی کالا^۲، می‌توان چنین دریافت که

1- Article 3:101: Scope of the Chapter (1) This chapter governs the authority of an agent or other intermediary to bind its principal in relation to a contract with a third party.(2) This chapter does not govern an agent's authority bestowed by law or the authority of an agent appointed by a public or judicial authority.(3) This chapter does not govern the internal relationship between the agent or intermediary and its principal.

2- This Convention applies where, one person, the agent, has authority or purports to have authority on behalf of another person, the principal, to conclude a contract of sale of goods with a third party.

- ایزانلو، محسن (۱۳۹۰). شروط محدودکننده و ساقطکننده. چاپ سوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ایروانی، باقر (۱۴۲۶). دروس تمہیدیہ فی القواعد الفقهیہ. جلد اول و دوم. چاپ سوم. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناصرة فی الأحكام العتره الطاهره. جلد اول، نهم، بیستویکم، بیستودوم و بیستوچهارم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- تبریزی، جواد (۱۴۲۶). منهاج الصالحین. جلد دوم. قم: مجمع الإمام المهدی (عج).
- جزائری، سیدمحمد جعفر (۱۴۱۶). هدی الطالب فی شرح المکاسب. جلد اول و سوم. قم: مؤسسه دارالكتاب.
- حسینی روحانی قمی، سیدمحمد صادق (۱۴۲۹). منهاج الفقاہه. جلد پنجم و ششم. چاپ پنجم. قم: انوار الهدی.
- حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. جلد سیزدهم، پانزدهم، شانزدهم، هفدهم و نوزدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد (بیتا). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. جلد دهم. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- حسینی مراغی، عبد الفتاح بن علی (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه. جلد اول و دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- رشتی، حبیب الله بن محمد علی (۱۳۱۱). کتاب الإجارة. بیجا: بینا.
- رشتی، حبیب الله بن محمد علی (۱۴۰۱). کتاب الفضاء. جلد اول. چاپ دوم. قم: دار القرآن الکریم.
- رشتی، حبیب الله بن محمد علی (۱۴۰۷). فقه الإمامیه. قسم الخیارات. قم: کتاب فروشی داوری.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳). مهذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام. قم: مؤسسه المنار.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبد العزیز (۱۴۰۴). المراسيم العلویه و الأحكام النبویه. جلد هجدهم، نوزدهم، بیستهم، بیستویکم، بیستوپنجم و بیستونهم. چاپ چهارم. قم: مشورات الحرمين.

دست یافته است که شروط سالب مسؤولیت مندرج در دستورالعمل ۹۳/۱۳ جامعه اقتصادی اروپا از قرار شرط سلب مسؤولیت نسبت به فوت یا صدمات جسمانی ناشی از فعل یا ترک فعل، با استناد به اختلال نظام، شرط سلب مسؤولیت نسبت به خسارت‌های ناشی از تقصیر با استناد به اختلال نظام، اکل مال به باطل و غرر، شرط سالب مسؤولیت حاصل از اناطه تدارک خدمات به اراده یک جانبه مشروطله با استناد به غرر و شرط سلب مسؤولیت نسبت به تعهدات نماینده در حیطه استثنایات اصل صحت شروط سالب مسؤولیت، محکوم به بطلان است.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهییه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسنده‌گان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهییه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش شخصاً توسط نویسنده‌گان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

الف- کتب

– قرآن کریم

– ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. جلد دوم و سوم. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

– ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷). غنیۃ النزوع إلی علمی الأصول والفروع. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

– اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸). حاشیه کتاب المکاسب. جلد سوم، چهارم و پنجم. قم: انوار الهدی.

– انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). کتاب المکاسب. جلد اول، سوم، چهارم، پنجم و ششم. چاپ اول. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

– انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۱). صیغ العقود و الایقاعات. قم: مجمع اندیشه اسلامی.

- علامه‌حالی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). *تذکرة الفقهاء*. جلد هفتم، دهم و چهاردهم. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- فاضل‌هندي، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*. جلد یازدهم و دوازدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قاضی بن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶). *المهذب*. جلد اول و دوم. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاشف‌الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ «الف»). *أنوار الفقاهة* - کتاب النکاح. نجف اشرف: مؤسسه کاشف‌الغطاء.
- کاشف‌الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ «ب»). *أنوار الفقاهة* - کتاب الوديعة. نجف اشرف: مؤسسه کاشف‌الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. جلد اول و هفتم. چاپ چهارم. تهران: دارالكتب الإسلامية.
- مامقانی، ملاعبدالله بن محمد حسن (۱۳۵۰). *نهاية المقال في تكميله غایة الاماال*. قم: مجمع الذخائر الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۴). *مرأة العقول في شرح أخبار آل الرسول*. جلد دوم و سوم. چاپ دوم. تهران: دارالكتب الإسلامية.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام*. جلد دوم، سوم و چهارم، چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق دمامد، سیدمصطفی (۱۴۰۶). *قواعد فقه*. جلد اول و دوم. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مفید بغدادی، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *المقنعة*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). *مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان*. جلد هشتم، نهم، دهم و دوازدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). *القواعد الفقهیة*. جلد دوم. چاپ سوم. قم: مدرسه امام امیر المؤمنین - علیه السلام.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). *أنوار الفقاهة* - کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسة الإمام على بن أبي طالب عليه السلام.
- منتظری تجف‌آبادی، حسین علی (۱۴۰۹). *دراسات فی ولایة الفقیہ و فقہ الدلّة الإسلامية*. جلد اول. چاپ دوم. قم: نشر تفکر.
- سیفی‌مازندرانی، علی‌اکبر (۱۴۲۵). *مبانی الفقه الفعال: فی القواعد الفقهیة الاسلامیة*. جلد اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴). *التقیح الرائع فی مختصر الشرائع*. جلد دوم. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجفی.
- شهید‌اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰). *اللمعنة الدمشقیة فی فقه الإمامیة*. بیروت: دار التراث - الدار الإسلامية.
- شهید‌ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح اللمعنة الدمشقیة*. جلد اول، سوم، چهارم، ششم، هفتم و دهم. قم: کتاب‌فروشی داوری.
- شهید‌ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. جلد سوم، چهارم، پنجم، هشتم، دوازدهم و پانزدهم. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- شهید‌ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۲). *رونض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان*. جلد دوم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۱). *البنک الالاربوبی فی الاسلام*. چاپ هفتم. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبایی قمی، سیدتقی (۱۴۰۰). *دراساتنا من الفقه الجعفری*. جلد چهارم. قم: مطبعة الخیام.
- طباطبایی قمی، سیدتقی (۱۴۱۳). *عملة المطالب فی التعليق على المکاسب*. جلد اول. قم: کتاب‌فروشی محلاتی.
- طباطبایی‌یزدی، سیدمحمد‌کاظم (۱۴۲۱). *حاشیة المکاسب*. جلد اول و دوم. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- طوosi، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المیسوط فی فقه الإمامیة*. جلد دوم، سوم، چهارم، هفتم و هشتم. چاپ سوم. تهران: المکتبة المرتضویة لـإحياء الآثار الجعفریة.
- عاملی کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. جلد دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم و سیزدهم. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- علامه‌حالی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *قواعد الأحكام فی معرفة الحلال والحرام*. جلد دوم و سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه‌حالی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *تحرير الأحكام الشرعیة على مذهب الإمامیة*. جلد دوم، سوم و پنجم. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

- قابل استناد در موارد تردید در مشروعیت شرط (ناشی از تردید در جعل یا کیفیت جعل حکم شرعی یا قانونی). پژوهش‌های فقهی. (۱۱) ۳۰۵-۳۳۸.
- کریمی، نسرین (۱۳۸۶). «تأثیر شرط برائت در رفع مسئولیت از پزشک». *مطالعات حقوق خصوصی*. (۳۷) ۱: ۸۰-۵۹.
- محقق داماد، سیدمصطفی و منشی زاده طهرانی، فرزان (۱۳۸۹). «ماهیت و آثار نمایندگی غیرمستقیم در حقوق ایران و حقوق اروپایی». *مطالعات حقوق خصوصی*. (۴۰) ۱۳: ۲۹۶-۲۷۷.
- ملک‌افضلی اردکانی، محسن (۱۳۹۶). «حفظ نظام مقصود اساسی شریعت در فقه و قانون گذاری در نظام حقوقی اسلام». *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*. (۳) ۶۴: ۱۵۲-۱۳۳.
- نکوئی، محمد (۱۳۸۹). «ماهیت شرط عدم مسئولیت در حقوق ایران و انگلیس». *مجله تحقیقات حقوقی*. (۲): ۵۱-۷۶.
- نکوئی، محمد (۱۳۹۳). «مصاديق بطلان شرط عدم مسئولیت (مطالعه تطبیقی)». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*. (۱): ۲۷۳-۲۵۳.
- ورعی، سیدجود (۱۳۹۳). «قاعده اختلال نظام؛ مفاد و قلمرو آن در فقه». *حکومت اسلامی*. (۱) ۱۹: ۵-۳۲.

ج- انگلیسی

- Council Directive 93/13/EEC of 5 April 1993 on unfair terms in consumer contracts.
- The Principles of European Contract Law.
- Convention on Agency in the International Sale of Goods (Geneva, 17 February 1983).

- موسوی‌خمینی، مصطفی (۱۴۱۸). *الخيارات*. جلد اول و دوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی‌خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱). *كتاب البيع*. جلد اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی‌خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۸). *موسوعه الامام الخوئي*. جلد بیست و پنجم، سی‌ام، چهل‌ویکم و چهل‌ودوم. چاپ اول. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- موسوی‌خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰). *منهاج الصالحين*. جلد دوم. چاپ بیست و هشتم. قم: نشر مدینه العلم.
- میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳). *جامع الشتات في أوجبة السؤالات*. جلد دوم. تهران: مؤسسه کیهان.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴)، *جوهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*. جلد باردهم، سیزدهم، پانزدهم، بیست و سوم، بیست و پنجم، بیست و ششم، بیست و هفتم، سی و یکم، سیوهفتم، سی و هشتم، چهلم، چهل و دوم، چهل و سوم. چاپ هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷). *عوايد الأيام في بيان قواعد الأحكام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸)، *منهاج الصالحين*. جلد سوم. چاپ پنجم. قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.

ب- مقالات

- ارسلا، محمدمجود (۱۳۸۸). «توافق بر تحدید یا عدم مسئولیت از دیدگاه حقوق تطبیقی». *مجله طلوع*. (۸) ۳۰: ۲۲-۳.
- اصغری، محمدمجود (۱۳۹۰). «شرط عدم مسئولیت در فقه امامیه و حقوق افغانستان». *پژوهشنامه فقهی*. (۴): ۱۸۴-۱۳۷.
- امامی، اسدالله و عبدالی، صادق (۱۳۷۸). «تحلیل مبانی فقهی- حقوقی شرط عدم مسئولیت قراردادی». *محله مجتمع آموزش عالی قم*. (۱) ۱۰۶-۷۷.
- باقی‌زاده، محمدمجود و امیدی‌فرد، عبدالله (۱۳۹۳). «ضرورت حفظ نظام و اختلال به آن در فقه امامیه». *محله ادیان، مذاهب و عرفان، شیعه شناسی*. (۱۲) ۴۷: ۲۰۰-۱۷۰.
- عبدالی، محمد (۱۳۹۴). «تحلیل اقتصادی شرط عدم مسئولیت». *دو فصلنامه داشتنامه حقوق اقتصادی*. (۷) ۲۱-۱.
- قبولی درافشان، سیدمحمد‌مهدی و قبولی درافشان، سید‌محمد‌صادق (۱۳۹۴). «بررسی فقهی حقوقی اصل



Journal of

Contemporary Legal Thought

www.lthjournal.ir



Volume 3, Issue 2, 2022

Terms of Liability Contained in the Appendix of Directive 13/93 of the European Economic Community in the Measurement of Imami Jurisprudence

Sayyed Mohammad Sadegh Ghabuli Dorafshan ^{1*}

1. Ph.D, Faculty Member of the Department of Jurisprudence and Islamic Law, Kheradgarayan Motahar Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 47-60

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-9014-3026

TELL: 0985137651867

Email:

dr.sadegh.ghabooli@gmail.com

Article history:

Received: 05 Apr 2022

Revised: 08 May 2022

Accepted: 10 Jun 2022

Published online: 22 Jun 2022

Keywords:

Negative Terms of Responsibility, Guidelines 13/93 of the European Economic Community, System Disruption, Arrogance, Loss of Property, Opposition to the Book and Tradition.

ABSTRACT

Unfair terms are one of the most important issues related to consumer rights. This article, by describing and criticizing the jurisprudence of the reasons for the invalidity of the negative conditions of responsibility and achieving the general principle of validity of these conditions, has made exceptions to this principle and has reached the conclusion that the negative conditions of responsibility contained in Directive 93/13 of the European Economic Community According to the condition of deprivation of responsibility for death or bodily injuries resulting from the act or omission of the act, based on the disorder of the system, the condition of liability for damages resulting from negligence based on the disorder of the system, The provision of services by the unilateral will of the subject is doomed to be invalidated on the basis of the complaint and the condition of disqualification from the obligations of the representative in the field of exceptions to the principle of correctness of the negative conditions of liability.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Ghabuli Dorafshan, M (2022). "Terms of Liability Contained in the Appendix of Directive 13/93 of the European Economic Community in the Measurement of Imami Jurisprudence". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(2): 47-60.